

وقتی زنگ مدرسه، زنگ آخر می شود!

ره‌نگاران/ خبر مرگ ناگهانی دانش‌آموزان بر اثر سکتۀ قلبی آرامش عمومی را برهم زده است...

به گزارش [بایگاه اطلاع‌رسانی ره‌نگاران](#)؛ رسول سعیدی زاده فعال فرهنگی در یادداشتی اینگونه نوشت: در روزهایی که جامعه با هزاران دغدغۀ اجتماعی و اقتصادی دست و پنجه نرم می‌کند، خبر مرگ ناگهانی دانش‌آموزان بر اثر سکتۀ قلبی آرامش عمومی را برهم زده است.

«نیما نجفی» و «زهرا گلمکانی» دو کودک از دو نقطه ایران که به دلیلی مشابه - ایست یا سکتۀ قلبی- در محیطی که باید امن‌ترین جایگاه زندگیشان باشد، یعنی مدرسه جان باختند و البته نام بسیاری از کودکان دانش‌آموز مانند «فرناز سعید» که در بیرون از مدارس دچار عارضه سکتۀ قلبی شدند، هرگز در اخبار دیده و شنیده نمی‌شوند. این رویدادها اگرچه به ظاهر نادرند، اما زنگ خطری جدّی برای نظام آموزشی، خانواده‌ها و نظام سلامت کشور به شمار می‌آیند؛ سکتۀ قلبی در کودکان پدیده‌ای غیرمعمول است ولی غیرممکن نیست. بسیاری از این موارد به دلیل نقایص مادرزادی قلب، آریتمی‌های ارثی یا التهاب عضله قلب پس از عفونت‌های ویروسی رخ می‌دهد. همچنین در نوجوانان نیز ورزش سنگین بدون بررسی سلامت قلبی و حتی استرس شدید می‌تواند ماشه این حادثه باشد. با این حال واقعیت تلخ این است که در مدارس ما کودکان برای چنین خطراتی آماده نیستند!

در اغلب مدارس کشور هیچ غربالگری اولیه قلبی برای دانش‌آموزان انجام نمی‌شود؛ حال آنکه در بسیاری از مدارس کشور حتی یک نوار قلب ساده پیش از ورود کودک به برنامه‌های ورزشی می‌تواند جان او را نجات دهد. در مدارس ما نه از آموزش کمک‌های اولیه برای معلمان و مربیان خبری هست و نه از دستگاه شوک قلبی (AED)!

هنگامی که کودکی در کلاس درس یا زمین بازی از حال می‌رود، دقایق طلایی تا رسیدن اورژانس از دست می‌رود و جان یک کودک قربانی بی‌توجهی سازمان یافته می‌شود.

اما این ماجرا تنها به بُعد پزشکی محدود نمی‌شود. سبک زندگی، تغذیه و سلامت روان کودکان امروز نیز سهم بزرگی در این بحران دارد. بی‌تحركی، مصرف غذاهای فرآوری شده و فست‌فودها، کم‌خوابی، فشار درسی و تنش‌های خانوادگی، مجموعه‌ای از عوامل هستند که قلب و

روان کودکان را تحت فشار قرار می‌دهند. استرس برخلاف تصور عمومی تنها بیماری بزرگسالان نیست و در کودکان نیز می‌تواند به افزایش ضربان قلب، فشار خون، اختلال در ریتم قلب و حتی سندرم «قلب شکسته» بیانجامد. کودکانی که در خانه‌های پُرتنش و در میان دعوا، قهر یا سکوت سرد والدین بزرگ می‌شوند، ناخواسته در معرض آسیب‌های جسمی و روانی قرار می‌گیرند که اثرشان ممکن است سال‌ها بعد ظاهر شود.

در کنار این عوامل نظام آموزشی نیز باید از نگاه صرفاً آموزشی فاصله بگیرد و به نهادی برای مراقبت از سلامت جسم و روان کودک تبدیل شود.

حضور مشاوران سلامت، روان‌شناسان مدرسه و نیروهای آموزش‌دیده در زمینه کمک‌های اولیه می‌تواند حلقه مفقوده‌ای باشد که جان بسیاری از دانش‌آموزان را نجات دهد. مدارس نباید تنها محل آموزش ریاضی و ادبیات باشند، بلکه باید به پایگاهی برای پایش سلامت، مشاوره روانی و آموزش سبک زندگی سالم تبدیل شوند.

سلامت دانش‌آموزان، سرمایه‌ای است که هیچ نظام آموزشی بدون حفظ آن نمی‌تواند به آینده امیدوار باشد.

البته در این بین نقش رسانه‌ها و نهادهای آموزشی حیاتی است. لذا لازم است وزارت آموزش‌وپرورش با همکاری وزارت بهداشت طرحی جامع برای پایش سلامت قلب دانش‌آموزان تدوین کند؛ از معاینه سالانه گرفته تا نصب دستگاه‌های احیای قلبی در مدارس بزرگ.

همچنین معلمان تربیت بدنی باید آموزش احیای قلبی و ریوی (CPR) ببینند و خانواده‌ها نیز با نشانه‌های هشداردهنده‌ای مانند تنگی نفس، تپش قلب یا غش ناگهانی در کودکان آشنا شوند.

مرگ ناگهانی هیچ کودکی در مدرسه یا بیرون از آن نباید «اتفاقی» تلقی شود. هر حادثه‌ای نشانگر خلأ آموزش، خلأ آگاهی یا خلأ سیاست‌گذاری است. اگر امروز از کنار این اخبار بگذریم، فردا با فهرست بلندتری از نام‌های کودکان متوفی روبه‌رو خواهیم شد.

قلب کودکان ایران نباید در سکوت از تپش بایستد؛ باید این زنگ خطر را جدی گرفت، پیش از آنکه زنگ مدرسه، زنگ آخر زندگی باشد!

qubbat@yahoo.com